

بررسی علل تغییر حوزه عمومی شهروندان از مسجد به شبکه‌های اجتماعی: مورد مطالعه شهروندان شریف آباد پاکدشت

حسین شیرازی^۱، هوشنگ ظهیری^۲

چکیده

هدف این تحقیق بررسی علل تغییر حوزه عمومی شهروندان از مسجد به شبکه‌های اجتماعی است. روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته شامل ۳۰ سؤال بود که با مراجعه حضوری به آزمودنیها انجام شد. نمونه متشکل از ۳۷۵ نفر مردم شریف آباد می‌باشد که بصورت تصادفی انتخاب شدند. پایایی پیرسشهای همراهی مساجد با یک گرایش سیاسی برابر ۰/۷۷۳، آزادی طرح مطلب در شبکه‌های اجتماعی برابر با ۰/۷۱۷، و دسترسی آسان به شبکه‌های مجازی برابر با ۰/۸۴۹ به دست آمده و در سطح کاملاً مناسب قرار داشت. با توجه به نتایج بدست آمده بین همراهی مساجد با یک گرایش سیاسی و سلب جایگاه حوزه عمومی از مسجد رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی اجتماعی و احراز جایگاه حوزه عمومی توسط این شبکه‌ها ارتباط معنی‌دار وجود دارد. آزادی طرح مطلب در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تغییر حوزه عمومی از مسجد به شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. همچنین بین رابطه دسترسی آسان و غیر مکان‌مند و غیر زمان‌مند بودن شبکه‌های مجازی و احراز جایگاه حوزه عمومی توسط این شبکه‌ها ارتباط معنی‌دار وجود دارد، در نتیجه دسترسی آسان به شبکه‌های مجازی بر تغییر حوزه عمومی از مسجد به شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر گذار می‌باشد.

واژگان کلیدی: حوزه عمومی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، گرایش خاص سیاسی، آزادی بیان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

^۱ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، سمنان، ایران
^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در سالهای قبل از انقلاب مساجد پایگاه و منشأ مهم دگرگونی‌های اجتماعی بود حضور مردم برای انجام شعائر مذهبی کارکردهای اجتماعی مثبت بسیاری در برداشت. دوستانی سودمند، مطالبی آموزنده، برخورداری از رحمتی که انتظار آن می‌رفت، سخنی که هدایت کند و از گمراهی باز دارد، ترک گناه از روی حیا و شرم از مردم، ترک گناه از روی ترس از خدا و بسیاری ویژگی‌هایی که حاصل حضور مردم در مساجد بود. غالب رونق مسجد در جذب مردم محصول ویژگی‌های حوزه عمومی بود همبستگی ناشی از حضور در مساجد افکار عمومی را شکل می‌داد افراد جامعه آزادتر از دیگر فضاها و به دور از سلطه حکومتی به گفتگو می‌پرداختند و در روابط خود تصمیم می‌گرفتند و در نهایت این تصمیمات مورد اجماع حوزه عمومی تبدیل به هنجار و ارزش می‌شد. (مهدوی نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹). با وقوع انقلاب اسلامی مساجد که پایگاه اصلی انقلاب محسوب می‌شدند به عنوان پایگاه نظام نیز ایفای نقش نمودند و تلاش در جهت تحکیم نظام داشتند. از آن پس مساجد با درک مشکلات حکومت سعی در همراهی و همدلی مردم با حکومت داشتند و به ترویج خواسته‌ها و انتظارات حکومت از مردم می‌پرداختند. این یک سوی ماجرا بود سوی دیگر با توجه به تغییراتی که در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی روی داده و نیز با توجه به تغییراتی که در ساختار و فضای ارتباطی به وجود آمده است دگرگونی‌هایی را در شکل سنتی حوزه عمومی شاهد هستیم. رشد و گسترش رسانه‌های الکترونیکی و نفوذ ناگزیر آن‌ها در حوزه‌های گوناگون باعث ایجاد فضای مجازی شده و مرزهای عمومی و خصوصی را دچار چالش نموده است.

رابطه بین مردم و مساجد یک رابطه دو سویه است. از سویی متولیان دین انتظار حضور پرشور مردم در شعائر مذهبی و مکان‌های مذهبی از جمله مساجد را دارند، از طرف دیگر مردم برای حضور در مساجد به طور ناگفته انتظاراتی در ذهن و ضمیر خود دارند. هر اندازه امکان برآوردن این انتظارات بیشتر فراهم گردد، کارکردهای اجتماعی مساجد تبلور بیشتری یافته و اثرات مطلوب دین داری در سطوح فرهنگی و اجتماعی ملموس تر خواهد بود. چنانچه مسجد نتواند نقش حوزه عمومی را بر عهده گیرد فاصله مردم با آن افزایش می‌یابد بنابراین ضروری است که عوامل موثر در ایفای نقش حوزه عمومی شناسایی شود و برای ارتقا این نقش برنامه ریزی اجتماعی گردد. (مؤنس، ۱۳۷۷). اگر حوزه عمومی تحت سلطه و سیطره تعداد معدودی از سازمان‌ها و تشکیلات عظیم و

قدرتمند قرار گیرد این حوزه به وسیله و ابزاری برای دستکاری اذهان عمومی تبدیل می‌شود و هر گروه ذی نفع خاصی می‌کوشد با دست پیدا کردن بر وسایل ارتباط جمعی منافع خصوصی خود را، منافع عمومی جلوه دهد. در این تحقیق تلاش خواهد شد علل جابجایی حوزه عمومی از مساجد به شبکه‌های اجتماعی به دقت مورد بررسی قرار گیرد. این مطالعه تلاشی است برای مشخص نمودن اینکه چرا حوزه عمومی از مساجد به شبکه‌های اجتماعی تغییر یافت و در قالب بیان مسئله به چهار عامل همراهی سیاسی مساجد با یک جناح سیاسی، تبدیل مساجد به عنصر ایدئولوژیک، آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی و امکان دسترسی بدون محدودیت شهروندان به شبکه‌های مجازی پرداخته می‌شود.

برای هر تحقیق اهداف مختلفی اعم از اهداف اصلی و فرعی متصور است اهداف مد نظر در این نوشتار شامل یک هدف اصلی و چهار هدف فرعی است. هدف اصلی شناسایی عوامل موثر بر تغییر حوزه عمومی از مسجد به شبکه‌های مجازی است و اهداف کاربردی شامل: الف- شناخت میزان و نحوه اثرگذاری همراهی سیاسی مساجد با نظام بر تضعیف جایگاه مساجد به عنوان حوزه عمومی؛ ب- شناخت میزان و نحوه اثرگذاری آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی بر تقویت جایگاه این شبکه‌ها به عنوان حوزه عمومی؛ پ- شناخت میزان و نحوه اثرگذاری دسترسی بدون محدودیت شهروندان به شبکه‌های مجازی بر تقویت جایگاه این شبکه‌ها به عنوان حوزه عمومی؛ ت- شناخت میزان و نحوه اثرگذاری نقش مسجد به عنوان عنصر ایدئولوژیک نظام بر تضعیف جایگاه مساجد به عنوان حوزه عمومی

همزمان با گسترش ارتباطات الکترونیکی و دسترسی گسترده کاربران به شبکه‌های اجتماعی مجازی، کوشش‌های نظری بسیاری صرف بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی این شبکه‌ها گردیده سهم این شبکه‌ها در تغییرات و تحولات اجتماعی به دفعات مورد توجه و بررسی واقع شده است در این زمینه مفهوم حوزه عمومی در چارچوب نظریه‌ها بر ماس جایگاه ممتازی یافته است. خصوصاً با بروز تحولات و جنبش‌های وسیعی در حوزه جغرافیایی خاورمیانه و شمال آفریقا و رخداد‌های موسوم به بهار عربی نقش شبکه‌های مجازی مورد توجه گروه‌های مختلف با اهداف مختلف قرار گرفته حاکمان با گمان زمینه‌سازی رخدادها در شبکه‌های مجازی و تمایل بر سیطره بر این شبکه‌ها و منتقدان با نیت حفظ ثبات از طریق استقرار دموکراسی از رهگذر افزایش آگاهی با ابزار شبکه‌های

مجازی و گروه‌ها و پژوهشگران و محققان با نیت‌های مختلفی دلیل بررسی و تمرکز بر تاثیرات شبکه‌های مجازی بوده‌اند. میناوند (۱۳۸۱) در رساله خود نشان می‌دهد که اینترنت از قابلیت‌ها و امکانات زیادی برای ایفای کارکرد حوزه عمومی برخوردار است. شبکه اینترنت امکاناتی در اختیار مردم جوامع می‌گذارد تا در فضایی مناسب به گفتگوی آزاد و برابر با هم بپردازند و در نتیجه‌ی فرآیندهای گفتگو و مباحثه، به نقطه‌نظرهای مشترکی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی دست یابند و به افکار عمومی شکل دهند. رضانیا (۱۳۸۹) به بررسی و تحلیل یکی از سایت‌های مربوط به مباحثات و گفتگوی اینترنتی فارسی پرداخته و معتقد است که صرف وجود اینترنت و در نظر گرفتن آن به‌عنوان یک حوزه امکانی برای ظهور حوزه عمومی، نمی‌تواند در به عمل درآوردن حوزه عمومی نقش زیادی داشته باشد، بلکه مسائل دیگری مربوط به دولت و نقش آن در گسترش آزادی‌ها و همچنین میزان احساس مسئولیت و اهمیت مسائل برای مخاطبان و کاربران اینترنتی از عوامل تعیین‌کننده هستند. یافته‌های پژوهش سیدعلوی و نقیب‌السادات (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور سه متغیر مستقل حوزه عمومی در فضای مجازی شکل گرفته است و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از مصادیق حوزه عمومی در فضای مجازی هستند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که نظریه حوزه عمومی قابل به‌کارگیری در حوزه مجازی است اما ویژگی‌های فضای مجازی و ارتباطات با واسطه رایانه‌ای، حوزه عمومی را فضایی متکثر و چندپاره ساخته است که با مدل سنتی حوزه عمومی متفاوت است.

عدلی پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی مجازی» نتیجه می‌گیرند که هر چند ارتقای امکان برقراری ارتباط و دادوستد اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان گفتگو را ارتقا می‌دهد، اما محدود و مخدوش‌کننده آن هم است. محدودیت مورد نظر اساساً از توزیع نابرابر امکان‌های مرتبط با این گونه فناوری‌ها ناشی می‌شود و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی هم گفتگو میان فرهنگ‌ها را مخدوش می‌کند. در واقع، شبکه‌های اجتماعی مجازی، به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می‌آورند، گفتگو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. یافته‌های نجفی و نیلوم (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان «جوانان ایرانی و اینترنت»، حاکی از آن است که اینترنت، حوزه عمومی و حوزه خصوصی را متأثر ساخته و با ایجاد حوزه‌ای متعلق به خود (حوزه مجازی) فضایی ایجاد کرده است

که افراد می‌توانند با گریز از محدودیت‌های حوزه عمومی و خصوصی به بیان خود پردازند. در مقاله حاضر به نقش شبکه‌های اجتماعی در چرخش از حوزه عمومی به حوزه خصوصی پرداخته شده است. عرصه عمومی «را نوعی فضای عمومی تعریف کرده‌اند که در آن اعضای جامعه از راه رسانه‌های گوناگون نظیر مطبوعات، رسانه‌های الکترونیکی و حتی ارتباط چهره به چهره با یکدیگر ملاقات می‌کنند و درباره موضوعات مورد علاقه مشترک به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند و بنابراین قادرند درباره این موضوعات ذهنیت یا عقیده مشترکی را تشکیل دهند، یعنی بحثی عقلانی که در نهایت به توافقی منجر می‌شود. به طور کلی هر جماعتی را که شرکت کنندگان آن، در بحث‌های آزاد و تأملی درگیر شوند و در راه ساختن یک اراده جمعی که با توافق همگان حاصل شود گام بردارند، می‌توان از نظر وجود یا عدم وجود حوزه عمومی مورد بررسی قرار داد.

یورگن هابرماس، نظریه پرداز اصلی عرصه عمومی، که سیر تحولات آن را در اروپا مورد بررسی قرار داده است. به نظر هابرماس در قرن هجدهم مفهوم جدیدی از افکار عمومی شکل گرفت. مردم همیشه چیزی شبیه افکار عمومی داشته‌اند. اما این افکار، در سه جهت با افکار عمومی جدید متفاوت بوده‌اند: ۱- این افکار غیر تأملی بوده‌اند. ۲- از راه بحث و نقد به وجود نمی‌آمدند. ۳- منفعلانه به نسل‌های بعد منتقل می‌شدند. اما افکار عمومی جدید اولاً محصول و نتیجه تأمل هستند، ثانیاً از بحث و نقد به وجود می‌آیند، و ثالثاً بیانگر توافقی هستند که فعالانه ایجاد می‌شود (پیوزی، ۱۳۸۴). به نظر هابرماس این حوزه عمومی انتقادی، بعدها با قدرت گرفتن بورژوازی دچار زوال شد. با تسلط بورژوازی و تحکیم سلطه آن در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، رسانه‌ها دیگر کارکرد عقلانی و انتقادی خود را از دست داده‌اند و حاکمان با استفاده از پول و قدرت، این رسانه‌ها را در جهت منافع خود دست‌کاری می‌کنند و چیزی که به نام افکار عمومی وجود دارد، همواره بیانگر منافع گروه‌ها و افراد خاص است و معمولاً استدلال برتر و عقلانی معطوف به نقد، در آن دست‌بالا را ندارد. صاحبان قدرت و پول معمولاً با روش‌های پنهانی یا از راه ایدئولوژی‌سازی، برای منافع خود دلیل و توجیه می‌آورند و افکار عمومی را فریب می‌دهند. از نظر هابرماس دست‌کاری افکار عمومی فقط به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه حتی حوزه‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی را نیز در بر می‌گیرد. در نتیجه دولت و اقتصاد سرمایه‌داری با تحمیل منطق خود بر حوزه عمومی آن را از نظر شکل و ماهیت دگرگون می‌کنند. (نوذری، ۱۳۸۱).

حوزه عمومی جایی است که همه افراد بتوانند بدون هرگونه تبعیض و به راحتی در مباحث آن وارد شوند. حوزه عمومی ای که گروه‌های معینی از آن طرد شوند، نه تنها کامل نیست بلکه اصلاً عمومی نیست. همچنین در حوزه عمومی هر بحثی باید بتواند مطرح شود. نباید منعی برای طرح موضوعات وجود داشته باشد. نکته مهمتر آن که قدرت، از هر نوع و در هر سطحی نباید در مباحث حوزه عمومی دخالت کند. معیار نهایی برای رسیدن به توافق یا ذهنیت و عقیده مشترک فقط باید استدلال برتر باشد. ویژگی مهم دیگر مباحث در حوزه عمومی، باز بودن و پایان نداشتن آنهاست. یعنی همواره باید راه برای گفت‌وگوی بیشتر درباره موضوعات مطرح شده باز باشد. هرگز کسی نمی‌تواند مدعی یک نتیجه قطعی و نهایی شود. خلاصه آن که حوزه عمومی گونه‌ای فضای عمومی است که در آن: ۱- افراد به شیوه‌ی عقلانی به بحث می‌پردازند. ۲- این بحث به توافقی منجر می‌شود. ۳- قدرت در این بحث‌ها دخالتی ندارد. ۴- همه افراد برای شرکت در بحث‌ها امکان برابر دارند و تبعیضی از این نظر وجود ندارد. ۵- موضوع بحث، آزاد است و هر کس می‌تواند هر موضوعی را که بخواهد مطرح کند. ۶- همه بحث‌ها علنی است. افراد می‌توانند حتی مسایل خصوصی خود را مطرح و نتایج مباحث را در معرض دید عموم قرار دهند. ۷- بحث‌ها همواره باز است و همواره می‌توان به آن رجوع کرد و درباره آن دوباره بحث کرد. این به آن معناست که همواره احتمال خطا وجود دارد و هیچ نتیجه‌ای قطعی نیست. (ریترز، ۱۳۸۴).

این‌ها مشخصات حوزه عمومی بود، اما خود گفت‌وگو نیز برای آنکه ثمر بخش باشد باید مشخصاتی داشته باشد. گفت‌وگو ابزار اصلی برقراری ارتباط اجتماعی است و کارکرد اصلی آن، تنظیم و تصحیح این روابط است. هابرماس چهار نوع ملاک را برای گفت‌وگو از هم جدا می‌کند و بر آن است که ارتباط افراد در زندگی روزمره را می‌توان از حیث رسیدن به تفاهم یا سوء تفاهم، با این ملاک‌ها سنجید. این ملاک‌ها عبارت‌اند از: الف - جملات فهمیدنی باشند ب - محتوای جملات حقیقت داشته باشند پ - گویندگان صادق باشند ت - کنش گفتاری به شکل درستی ادا شود (هالوب، ۱۳۷۵).

با توجه به تغییراتی که در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی روی داده و نیز با توجه به تغییراتی که در ساختار و فضای ارتباطی بوجود آمده است دگرگونی‌هایی را در شکل سنتی حوزه عمومی شاهد هستیم. رشد و گسترش رسانه‌های الکترونی و نفوذ ناگزیر آنها در حوزه‌های گوناگون باعث ایجاد

فضای مجازی شده و مرزهای عمومی و خصوصی را دچار چالش نموده است. جان کین بر این باور است که دوران استیلای دیرین زندگی عمومی با ساختارهای تعیین شده توسط دولت، محدود به یک ناحیه جغرافیایی، و تحت تأثیر رادیو، تلویزیون، روزنامه و کتاب به پایان می‌رسد. فضاهای متکثر شبکه‌ای برای ارتباط، سلطه‌ی این ساختارها را به تدریج فرسوده می‌کند؛ این فضاهای شبکه‌ای در قید مستقیم یک قلمرو نیست و در نتیجه، هر چیزی که پیش از این شباهتی با حوزه‌ی عمومی مجرد و مکان‌مند را داشت برای همیشه دور می‌زند و متلاشی می‌کند. آرمان یک حوزه‌ی عمومی یکنواخت و بینش ملازم با آن، که جمع شهروندان مقید به یک قلمرو را در تلاش برای حفظ یک خیر عمومی تعریف می‌کند، منسوخ شده است.

حوزه‌ی عمومی شکل خاصی از روابط مکانی میان دو یا چند نفر است که معمولاً از طریق وسایل ارتباطی (تلویزیون، رادیو، ماهواره، نامبر، و غیره) با هم ارتباط دارند. در این وسایل ارتباطی، برای مدتی کوتاه یا بلند، مناقشاتی عاری از خشونت پیرامون روابط عملیاتی قدرت رخ می‌دهد؛ این مناقشات می‌تواند پیرامون مسائل موجود در محیط گفت‌وگو و یا پیرامون ساختارهای سیاسی و اجتماعی بزرگ‌تر باشد با این معنا، حوزه‌ی عمومی هیچگاه به صورت ناب و خالص - یا به اصطلاح، الگوی ایده‌آل پدیدار نمی‌شود و به ندرت به صورت جدا و منفرد پدید می‌آید. با آن که حوزه‌های عمومی همیشه به صورت شبکه‌ای و در هم تنیده هستند، وضعیتی شکسته دارند؛ وضعیتی که با گرایش به سوی حوزه عمومی یکپارچه رفع نمی‌شود. (کین، ۱۳۸۳). شبکه‌های اجتماعی، خدمات آنلاینی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعات‌شان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می‌توانند ارتباط‌شان با دیگران را حفظ کرده و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (یزداخواسی، ۱۳۹۲). به طور کلی در تعریف شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان گفت، سایت‌هایی هستند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی، محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند (سلطانی‌فر، ۱۳۸۹: ۵۳).

در خصوص نقش شبکه‌های اجتماعی به عنوان حوزه عمومی نظراتی گوناگونی وجود دارد که در اینجا جمع‌بندی این نظرات به عنوان نگرش خوش‌بینانه و نگرش بدبینانه ارائه می‌شود. امروزه عده‌ای معتقدند که فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند حوزه عمومی را مجدداً در تاریخ احیا کنند و به شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی منجر بشوند. در حالت خوش‌بینانه، اگر مؤلفه‌های اساسی حوزه عمومی را «گفتگو»، «افکار عمومی» و «کنش» بدانیم، اینترنت بستر مناسبی برای ظهور و تجلی هر یک از این‌هاست. شهروندان می‌توانند از طریق اینترنت به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مورد علاقه بپردازند و از این طریق افکار عمومی به عنوان «صدای مردم» شکل بگیرد و هر یک می‌توانند در مخالفت یا موافقت با یک مساله و موضوع اجتماعی و سیاسی دست به کنش مناسب بزنند. وقتی انسان درباره «عموم» می‌اندیشد، مبادلات آزادانه ایده‌ها و اندیشه‌های سیاسی را در ذهن تصور می‌کند. ایده عموم با آرمان‌های دموکراتیکی که خواهان مشارکت شهروندان در امور عمومی است، رابطه تنگاتنگ دارد. واژه «عموم» بر ایده‌های شهروندی، اشتراک‌نظر و چیزهای غیرشخصی دلالت می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

در مقابل نگرش‌های خوش‌بینانه در خصوص قابلیت‌های اینترنت جهت احیا حوزه عمومی و گسترش گفتگوی عقلانی و انتقادی، عده‌ای از محققان و متفکران ضمن نقد و نفی این دیدگاه، توانایی و قابلیت ادعایی این شبکه نوین ارتباطی را به چالش می‌کشند. (سالتر، ۱۳۸۳) در این خصوص پاستر می‌نویسد: این ادعا که امروزه گروه‌های خبری اینترنتی و سایر اجتماعات مجازی به‌عنوان حوزه‌های عمومی نوپا، احیاگر دموکراسی در قرن بیست و یکم خواهند بود، نادرست است. وی می‌افزاید: در تمدن غرب، حوزه عمومی به مکانی گفته می‌شد که مردم به عنوان انسان‌های برابر می‌توانستند گفتگو کنند و تفاوت‌هایی که در زمینه مقام و منزلت اجتماعی وجود داشت مانع از شکل‌گیری بحث‌های صادقانه نمی‌شد. هدف بحث‌های منطقی همانا رسیدن به اجماع یا توافق بود. البته اینترنت به مردم فرصت می‌دهد تا به طور برابر گفتگو و ابراز وجود بکنند. اما در این گفتگو به‌ندرت بحث منطقی در می‌گیرد و دسترسی به اجماع یا توافق عملاً غیرممکن به نظر می‌رسد. این‌ها از جمله علائم و نشانه‌هایی است که هویت در حوزه عمومی و در اینترنت را به‌شیوه‌های متفاوتی تعریف می‌کند. به باور پاستر، اینترنت، دولت را به‌خاطر مکالمات غیرقابل نظارت تهدید می‌کند، مالکیت خصوصی

را از طریق تکثیر یا بازتولید نامحدود و اطلاعات بی‌اثر می‌سازد و اخلاقیات را از طریق اشاعه پورنوگرافی تضعیف می‌کند. فناوری اینترنت را نباید به‌عنوان شکل تازه‌ای از حوزه عمومی تصور کرد. (یزداخواستی و همکاران؛ ۱۳۹۲).

در کشورمان از دیرباز شاهد عرصه‌های عمومی ای بوده ایم که کمابیش با داشتن ویژگی‌های عنوان شده توسط هابرماس نقش و کارکرد انتقادی خود را توانسته است ایفا نماید. حوزه‌هایی که فارغ از وابستگی به قدرت سیاسی و اقتصادی حاکم توانسته است عرصه و مرجعی برای افراد منتقد و یا مبارز باشد تا بتوانند در این عرصه‌ها به آگاهی دهی، انتقاد و نهایتاً مبارزات خود علیه نظام‌های حاکم پردازند. در این رابطه می‌توان از زمانهای دور تا تاریخ معاصر مثالهایی را ارائه کرد که اگرچه بعضاً شاید تمامی ویژگی‌های لازم برای یک عرصه عمومی را نداشته باشد اما در شرایط زمانی خود جایگاه بسیار مهمی نزد مردم و افکار عمومی داشته است. مجالس و نشستهای مذهبی مانند روضه خوانی، نوحه سرایی، مداحی و غیره که در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا انجام می‌شد و از نقش مهم آنها چه در زمان مشروطه و یا در زمان انقلاب اسلامی نمی‌توان غافل بود. بنابر اعتقادی که مذهب شیعه بر آن پایبند است، سیاست و دین از یکدیگر جدایی ناپذیرند لذا امامان شیعه بنابر احساس مسئولیتی که در قبال امور مملکت داری و سعادت و شقاوت جامعه بر خود لازم دانسته اند، همواره ناظر و منتقد بر اعمال حکام و فرمانروایان بوده اند. همین امر باعث ناخوشایندی حاکمان شده و در پی رفع این موانع دست به هر اقدامی می‌زدند. چنین رفتاری از صدر اسلام تاکنون نه تنها در مورد امامان بلکه در مورد جانشینان و رهبران فکری این مذهب مصداق داشته است. بنابراین برگزاری مراسم مذهبی و روایت مرگ و شهادت ایشان همواره در بردارنده انتقاد و چالش از حاکمان گذشته و حال بوده و در واقع نمونه‌ای از عرصه عمومی است که در آن عامه مردم شرکت کرده و با ذکر وقایع گذشته و مطابقت آن با شرایط موجود نسبت به رفتارهای ناعادلانه احتمالی حاکمان موضع گرفته و انتقاد و اعتراض خود را سر می‌دادند. چنین عرصه‌هایی در دوره‌های مختلف تاریخی بخصوص از انقلاب مشروطه تاکنون نقش بسیار چشمگیری در جریان‌ات و دگرگونی‌های اجتماعی بازی کرده است که آثار آن را در تمامی ابعاد جامعه می‌توان مشاهده کرد. در خصوص نقش مساجد به عنوان حوزه عمومی نیز نظرات گوناگونی وجود دارد که جمع‌بندی آن را می‌توان به دو بخش مثبت و منفی ارائه کرد. (همیلتون، ۱۳۸۷).

مجالس و نشست‌های مذهبی مانند روضه خوانی، نوحه سرایی، مداحی و غیره که در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا انجام می‌شد و از نقش مهم آن‌ها چه در زمان مشروطه و یا در زمان انقلاب اسلامی نمی‌توان غافل بود. بنابر اعتقادی که مذهب شیعه بر آن پایبند است، سیاست و دین از یکدیگر جدایی ناپذیرند لذا امامان شیعه بنابر احساس مسئولیتی که در قبال امور مملکت داری و سعادت و شقاوت جامعه بر خود لازم دانسته‌اند، همواره ناظر و منتقد بر اعمال حکام و فرمانروایان بوده‌اند. همین امر باعث ناخوشایندی حاکمان شده و در پی رفع این موانع دست به هر اقدامی می‌زدند. چنین رفتاری از صدر اسلام تاکنون نه تنها در مورد امامان بلکه در مورد جانشینان و رهبران فکری این مذهب مصداق داشته است. بنابراین برگزاری مراسم مذهبی و روایت مرگ و شهادت ایشان همواره در بردارنده انتقاد و چالش از حاکمان گذشته و حال بوده و در واقع نمونه‌ای از عرصه عمومی است که در آن عامه مردم شرکت کرده و با ذکر وقایع گذشته و مطابقت آن با شرایط موجود نسبت به رفتارهای ناعادلانه احتمالی حاکمان موضع گرفته و انتقاد و اعتراض خود را سر می‌دادند. چنین عرصه‌هایی در دوره‌های مختلف تاریخی بخصوص از انقلاب مشروطه تاکنون نقش بسیار چشمگیری در جریانات و دگرگونی‌های اجتماعی بازی کرده است که آثار آن را در تمامی ابعاد جامعه می‌توان مشاهده کرد. (نجف زاده، ۱۳۹۲). قبل از انقلاب اسلامی ایران مساجد به عنوان پایگاه‌های مردمی و پایگاه انقلاب ایفا نقش می‌نمود با پیروزی انقلاب اسلامی مساجد به عنوان پایگاه نظام ایفا نقش نموده و تلاش آن‌ها در جهت تحکیم نظام بوده است. هابرماس در تبیین چگونگی تضعف حوزه عمومی معتقد است اگر حوزه عمومی در سیطره تشکیلات قدرت قرار گیرد این حوزه به وسیله و ابزاری برای دستکاری منافع و اذهان عمومی تبدیل می‌شود و ارکان قدرت تلاش خواهند کرد که منافع خصوصی خود را منافع عمومی جلوه دهد.

مطابق مباحث هابرماس اصلی‌ترین عنصر برای تغییر «زیست جهان» یک جامعه نقد است. نقد و انتقاد منجر به گفتگوها از مکالمه و مشاجره به مباحثه یعنی گفتگوی استدلالی می‌شود. اگر مشروعیت نگرش انتقادی مردم به رفتار صاحبان قدرت را یکی از مولفه‌های شکل‌گیری حوزه عمومی در نظر بگیریم این نقش با نقش پایگاه نظام بودن مساجد به کلی در تضاد و منافات خواهد بود و زمینه افول حوزه عمومی را مهیا می‌سازد. حوزه عمومی صرفاً یگانگی و عقاید همگون حاکم نیست گفتمان و ارتباط صرفاً در جهت ایجاد وفاق پیش نمی‌رود بلکه به لحاظ فرهنگی و فکری

ابعاد متعددی مطرح می‌شود در واقع فضای حوزه عمومی به روی عقاید متفاوت باز است (علیخواه، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷). با استفاده از نظریه‌های فوق سه فرضیه مطرح شده است: الف- تلاش مساجد در همراهی سیاسی با یک گرایش سیاسی سبب تضعیف جایگاه مساجد به عنوان حوزه عمومی شده است. ب- آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی سبب تقویت جایگاه این شبکه‌ها به عنوان حوزه عمومی شده است. پ- امکان دسترسی بدون محدودیت شهروندان سبب تقویت شبکه‌های مجازی به عنوان حوزه عمومی شده است.

مدل نظری تحقیق



روش شناسی

این تحقیق از نظر هدف کاربردی می‌باشد و در پی یافتن راهکارهای برای جامعه آماری می‌باشد. از نظر روش نیز این تحقیق توصیفی غیر آزمایشی از شاخه همبستگی به شمار می‌آید. در این تحقیق ابزار گرد آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد بدین ترتیب که پرسشنامه ای بر اساس اهداف و فرضیات تحقیق تهیه شده و در اختیار نمونه قرار گرفت. بر طبق پاسخها، داده‌های لازم درباره ویژگیهای مورد نظری پژوهشگر جمع آوری شدند و از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرضیات تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه مشتمل بر ۲۴ سؤال (۴ سؤال از مشخصات عمومی پرسش شونده و ۲۰ سؤال براساس متغیرهای تحقیق) می‌باشد. در طراحی پرسشنامه سعی شد که سئوالات تاحد ممکن قابل فهم باشد. برای تهیه سئوالات از مقیاس لیکرت برای سنجش متغیرهای

تحقیق استفاده شده است که بر اساس یک پیوستار چند درجه ای (نمره) : کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲)، کاملاً مخالفم (۱) می‌باشد. تحقیق دارای سه فرضیه است که متغیرهای آن عبارتند از : همراهی سیاسی با یک گرایش سیاسی، حوزه عمومی، آزادی طرح مطلب، شبکه‌های مجازی، امکان دسترسی بدون محدودیت شهروندان . جامعه آماری عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص دارای یک یا چند صفت مشخص و مشترک می‌باشند (حافظ نیا، ۱۲۰، ۱۳۸۰). از بین فهرستی از همه اعضای جامعه آماری گروه نمونه انتخاب می‌شود. در تحقیق حاضر جامعه آماری شامل شهروندان شهرستان شریف آباد می‌باشد . نمونه آماری هم در این پژوهش بخشی از جامعه آماری است که به صورت طبقه بندی و براساس جمعیت شریف آباد انتخاب خواهند شد، با توجه به موضوع تحقیق و جامعیت آن و به دلیل دردسترس بودن جمعیت شریف آباد برای تعیین نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده خواهد شد(فرمول نمونه گیری وقتی که جامعه ما محدود است).

$$n = \frac{NZ^2pq}{(Nd^2) + Z^2pq}$$

$$n = \frac{16000 * (1.96)^2 * 0.5 * 0.5}{(0.05)^2 * (16000) + (1.96)^2 * 0.5 * 0.5} = 375$$

$$n = \frac{235 \times (1.9)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2 \times (2350) + (1.9)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 330$$

N تعداد جامعه برابر با ۱۶۰۰۰، Z برابر ۱٫۹۶ در سطح اطمینان ۹۵ درصد و d خطای حدی (عبارت است از خطایی که ما می‌پذیریم که از آن چشم پوشی نماییم) ۰٫۰۵ برآورد شده است به این منظور در تحقیق حاضر نمونه آماری متشکل از ۳۷۵ نفر اهالی شریف آباد می‌باشد. در این پژوهش از پرسشنامه محققان و اندیشمندان مختلف استفاده شده است که در تحقیقات آنها روایی پرسشنامه تایید شده است، علاوه بر آن برای بالا بردن روائی پرسشنامه سؤالهای طرح شده توسط محقق از سوی متخصصان و خبرگان در زمینه تحقیق مورد ارزیابی و بازنگری قرار گرفته است، تا سؤالهایی که در اختیار پاسخ دهندگان قرار می‌گیرد هیچ ابهام و نارسائی نداشته باشد، و در واقع آنچه مورد نظر است، حاصل شود (اعتبار ظاهری) در این راستا پرسشنامه اولیه بین ۵ نفر از خبرگان توزیع و

مورد بررسی قرار گرفته است و پس از ارائه نظرات ایشان، سوالات غیر مرتبط و مبهم حذف و پرسشنامه نهایی تدوین گردیده است. در این تحقیق جهت تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ بهره برده شد، بدین ترتیب که با توزیع اولیه ۳۰ پرسشنامه پایایی سوالات مورد بررسی قرار گرفت و توزیع نهایی صورت گیرد. قابل ذکر است پایایی پرسشنامه این تحقیق با عدد ۰,۸۸۸ تایید شده است. که ضریب قابل قبولی می‌باشند و می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است.

ضرایب مربوط به آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر مورد سوال	ضریب آلفا
۱	همراهی سیاسی مسجد با یک گرایش سیاسی	۰,۸۴۹
۲	ازادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی	۰,۷۷۲
۳	امکان دسترسی بدون محدودیت شهروندان به شبکه‌های مجازی	۰,۷۱۷

یافته‌ها

الف - یافته‌های توصیفی در این بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری تشریح می‌شوند. ویژگی‌هایی که مورد توجه قرار گرفته اند، عبارتند از وضعیت افراد پاسخ دهنده از نظر سن، جنسیت، تحصیلات.

همانگونه که نتایج جدول و نمودار ۱ در زیر نشان می‌دهد، ۲۸۱ نفر (۷۴,۹ درصد) از گروه نمونه آماری را مردان و ۹۴ نفر (۲۵,۱ درصد) را زنان تشکیل داده‌اند.

جدول ۱- وضعیت افراد پاسخ دهنده از نظر جنسیت

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۸۱	۷۴,۹
زن	۹۴	۲۵,۱
جمع	۳۷۵	۱۰۰

همانطور که داده‌های جدول ۲ دلالت دارد بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال است و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی بین ۱۵ تا ۲۴ سال است.

جدول ۲- وضعیت افراد پاسخ دهنده از نظر سن

گروه سنی	فراوانی	درصد
بین ۱۵ تا ۲۴ سال	۴۱	۱۱٪
بین ۲۵ تا ۴۰ سال	۱۵۲	۴۱٪
بین ۴۱ تا ۵۵ سال	۱۱۷	۳۱٪
از ۵۶ به بالا	۶۵	۱۷٪
جمع	۳۷۵	۱۰۰

همان‌طور که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به پاسخ‌دهندگان با سطح تحصیلات دیپلم و کمترین فراوانی مربوط به پاسخ‌دهندگان با سطح تحصیلات فوق لیسانس می‌باشد.

جدول ۳- وضعیت افراد پاسخ‌دهنده از نظر میزان تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	در صد
زیردیپلم	۱۱۳	30.1
دیپلم	۱۲۱	32.3
لیسانس	۱۰۳	27.5
فوق لیسانس	۲۸	7.5
بالا تر		
جمع	۳۷۵	۱۰۰

ب- یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

در این تحقیق از روش لیزرل برای آزمون فرضیات استفاده شده است. روش لیزرل ضرایب مجهول مجموعه معادلات ساختاری خطی را برآورد می‌کند برای برآزش مدل‌هایی که شامل متغیرهای مکنون، خطاهای اندازه‌گیری در هر یک از متغیرهای وابسته و مستقل، علیت دو سویه، هم‌زمانی و وابستگی متقابل می‌باشد طرح‌ریزی گردیده است. در پژوهش حاضر، پس از رسم مدل بر اساس داده‌ها اندازه پارامترهای مدل با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به دست آمده است. بنابراین با استفاده از ضرایب گاما (γ) استفاده از تست t فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در روش لیزرل منظور از ضریب استاندارد مقادیر همبستگی دوتایی است (بین دو متغیر) و برای مقایسه اثرات اجزای مدل بکار می‌رود و هر چه این ضریب بیشتر باشد به معنای اثرگذاری بیشتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و منظور از معنادار بودن یک ضریب، این است که عدد معناداری باید بزرگتر از ۱,۹۶ باشد یا کوچکتر از ۱,۹۶- و در کل برای تائید یا رد فرضیات تحقیق به کار می‌رود. عدد معناداری هر چقدر از ۱,۹۶ بزرگتر باشد نشان‌دهنده‌ی آن است که متغیر مستقل اثر قوی‌تری روی متغیر وابسته دارد. در این تکنیک، تی (t) سوالانی که مقداری تی (t) آنها کمتر از ۱,۹۶ باشد باید حذف شود (رامین مهر، ۱۳۹۵).

-آزمون فرضیه اول :

H0 همراهی سیاسی مسجد با یک گرایش سیاسی بر سلب جایگاه حوزه عمومی تأثیر ندارد.

H1 : همراهی سیاسی مسجد با یک گرایش سیاسی بر سلب جایگاه حوزه عمومی تأثیر دارد.

جدول ۴-۴- نتایج ضرایب استاندارد و آماره t فرضیه اول

آماره t	ضرایب برآورد شده	مسیر
۲,۷۰	۰,۱۹	سلب ویژگی حوزه عمومی از مسجد

بر اساس نتایج نشان داده شده در جدول ۴-۴، ارتباط بین همراهی سیاسی مسجد و سلب ویژگی حوزه عمومی از مسجد بوسیله داده‌ها حمایت شده است و مسیری که این دو متغیر را به هم مربوط می‌سازد مثبت و معنی‌دار می‌باشد (در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است) ($t = 2.70, \gamma_{21} = 0.19$). چون مقدار تی از ۱,۹۶ بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان نمود که همراهی سیاسی مسجد با یک گرایش سیاسی بر سلب ویژگی حوزه عمومی تأثیر دارد.

-آزمون فرضیه دوم:

H0: آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی تأثیر ندارد.

H1: آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی تأثیر دارد.

جدول ۴-۵- نتایج ضرایب استاندارد و آماره t فرضیه دوم

آماره t	ضرایب برآورد شده	مسیر
۲,۹۵	۰,۲۷	کسب جایگاه حوزه عمومی

بر اساس نتایج نشان داده شده در جدول ۴-۵، ارتباط بین آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی بوسیله داده‌ها حمایت شده است و مسیری که این دو متغیر را به هم مربوط می‌سازد مثبت و معنی‌دار می‌باشد (در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار است) ($t = 2.95, \gamma_{31} = 0.27$). چون مقدار تی از ۱,۹۶ بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان نمود که آزادی طرح مطلب در شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی تأثیر دارد.

-آزمون فرضیه سوم:

H0: در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی تأثیر ندارد.

H1: در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی تأثیر دارد.

جدول ۴-۶- نتایج ضرایب استاندارد و آماره t فرضیه سوم

آماره t	ضرایب برآورد شده	مسیر
۲,۶۶	۰,۲۴	کسب جایگاه حوزه عمومی

بر اساس نتایج نشان داده شده در جدول ۴-۶، ارتباط بین در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی بوسیله داده‌ها حمایت شده است و مسیری که این دو متغیر را به هم مربوط می‌سازد مثبت و معنی دار می‌باشد (در سطح خطای ۵ درصد معنی دار است) ($t = 2.66, \gamma_{14} = 0.24$). چون مقدار تی از ۱,۹۶ بزرگتر است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان نمود که در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر کسب جایگاه حوزه عمومی تأثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار پس از بیان مساله و تبیین اهمیت آن، دلایل جابجایی حوزه عمومی از مسجد به شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و با توجه به اهداف پژوهش فرضیه‌هایی مطرح گردید. در ادامه با توجه به متون موضوعه و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در این زمینه تحلیل فرضیات ارائه می‌گردند. همراهی سیاسی مساجد با یک گرایش سیاسی بر تغییر حوزه عمومی از مسجد به شبکه‌های اجتماعی تأثیر دارد. با توجه به نتایج، میزان ضریب میان همراهی سیاسی مساجد با یک گرایش سیاسی و تغییر حوزه عمومی $۰,۱۹$ می‌باشد که بر طبق تست تی $۲,۷۰ < ۱,۹۶$ در سطح معنی داری $۰/۰۵$ رابطه بین این دو متغیر معنی دار می‌باشد. در نتیجه محقق با اطمینان ۹۵٪ به این نتیجه دست می‌یابد که همراهی سیاسی مساجد با یک گرایش سیاسی بر تغییر حوزه عمومی از مسجد به شبکه‌های اجتماعی تأثیر دارد. نتایج تحقیق حاضر با نظریه‌ها بر ماس همسو است. در تحقیق حاضر تأثیر همراهی سیاسی مسجد با یک گرایش سیاسی بر تغییر حوزه عمومی به صورت مستقیم بررسی شده است. اما بر ماس تبدیل حوزه عمومی به عنصر ایدئولوژیک را از دلایل افول حوزه عمومی بر شمرده است. آزادی طرح مطلب در شبکه‌های اجتماعی بر احراز جایگاه حوزه عمومی توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر دارد. با توجه به نتایج، میزان ضریب میان آزادی طرح مطلب در شبکه‌های اجتماعی و احراز جایگاه حوزه عمومی توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی $۰,۲۷$ می‌باشد که بر طبق تست تی $۲,۹۵ < ۱,۹۶$ در سطح معنی داری $۰/۰۵$ رابطه بین این دو متغیر معنی دار می‌باشد. در نتیجه محقق با اطمینان ۹۵٪ به این نتیجه دست می‌یابد که آزادی طرح مطلب در شبکه‌های اجتماعی بر احراز جایگاه حوزه عمومی توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر دارد. در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر احراز جایگاه حوزه عمومی توسط شبکه‌های مجازی تأثیر دارد. با توجه به نتایج، میزان ضریب میان در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر احراز جایگاه حوزه عمومی

توسط شبکه‌های مجازی ۰,۲۴ می‌باشد که بر طبق تست تی $1,96 < 2,66$ در سطح معنی داری ۰/۰۵ رابطه بین این دو متغیر معنی‌دار می‌باشد، در نتیجه محقق با اطمینان ۹۵٪ به این نتیجه دست می‌یابد که در دسترس بودن شبکه‌های مجازی بر احراز جایگاه حوزه عمومی توسط شبکه‌های مجازی تاثیر دارد.

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادت زیر مطرح می‌شوند: الف- تأثیر دین بر دگرگونی‌های اجتماعی و همبستگی‌های اجتماعی مثبت است. لازم نیست دین ابزار مطیع شدن در برابر قدرت باشد بلکه دین در بسیاری مواقع می‌تواند نیرویی برای تغییرات مثبت در جامعه قلمداد شود. ب- غالب رونق مسجد در جذب مردم محصول ویژگی‌های حوزه عمومی بود همبستگی ناشی از حضور در مساجد افکار عمومی را شکل می‌داد افراد جامعه آزادتر از دیگر فضاها و به دور از سلطه حکومتی به گفتگو می‌پرداختند و در روابط خود تصمیم می‌گرفتند و در نهایت این تصمیمات مورد اجماع حوزه عمومی تبدیل به هنجار و ارزش می‌شد. پ- همه کسانی که مشتاق بهره‌مندی اجتماع از کارکردهای مثبت مسجد هستند لازم است مانع از آن شوند که مسجد به وسیله و ابزاری برای دستکاری اذهان عمومی و خوش بین نمودن جامعه به عملکرد ارکان قدرت تبدیل شود. ت- مساجد باید همچنان در کنار مردم جایگاه نقد سازنده از قدرت را حفظ کنند حتی در مواردی که بین فرهنگ مسجد و فرهنگ بخش‌هایی از جامعه مغایرت وجود دارد مساجد در کنار صاحبان قدرت برای رفع این مغایرت قرار نگیرند و جایگاه رهنمودی و ارشادی را برای خود مقرر نمایند. ث- مساجد در هر حوزه جغرافیایی دغدغه‌های مردم را به درستی شناسایی و تلاش نمایند مسولین در برابر خواسته‌های عمومی تمکین نمایند بدین ترتیب می‌توانند جایگاه امنی برای اجتماع قلمداد شده و اثرات و کارکردهای مثبتی را بر جای گذارند.

منابع

بهرامی، کمیل (۱۳۸۱)، روابط عمومی از دیدگاه یورگن هابرماس، فصلنامه هنر هشتم تابستان سال هفتم، شماره ۲،

شماره پیاپی ۲۶

پاستر، مارک (۱۳۷۷)، عصر دوم رسانه‌ها؛ ترجمه غلامحسین صالح یار، تهران نشر مؤسسه ایران

پیوزی؛ مایکل (۱۳۸۴) یورگن هابرماس؛ ترجمه احمد تدین، تهران نشر هرمس

حافظ نیا محمد رضا (۱۳۸۰) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری نشر آگاه چاپ پنجم

خاکی غلامرضا (۱۳۸۷) روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی نشر رسش

۹۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- رامین مهر، حمید (۱۳۹۵) روش تحقیق کمی با کاربردی مدل سازی معادلات ساختاری نشر ترمه.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی
- رضانیا، آوات (۱۳۸۹) «اینترنت و حوزه عمومی مطالعه موردی تحلیل سایت گفتمان»، برگرفته از سایت موسسه تحقیقات همشهری
- سالتر، لی (۱۳۸۳) دمکراسی، جنبش‌های نوین اجتماعی و اینترنت، ترجمه پیروز ایزدی فصلنامه رسانه شماره ۵۹-۱۳۳-۱۶۲
- سلطانی فر، محمد (۱۳۸۹) دیپلماسی عمومی نوین در روابط عمومی الکترونیک تهران: انتشارات سیمای شرق
- سیدعلوی، سیدمسعود و نقیب السادات سیدرضا (۱۳۹۱) «حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی» فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۱۰۹-۱۵۱
- عدلی پور، محمد، یزدا خواستی بهجت، کنجانی الهام (۱۳۹۲) «حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی» مطالعات فرهنگ - ارتباطات سال چهارم شماره ۲۱: ۸۱-۱۰۱
- علیخواه، فردین، (۱۳۷۸)، کنش ارتباطی بنیاد شکوفایی حوزه عمومی هابرماس، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۱۴۰-۱۳۹، سال سیزدهم
- کین، جان (۱۳۸۳) دگرگونی‌های ساختاری حوزه عمومی؛ اسماعیل یزدان پور؛ مجله رسانه شماره ۵۹
- مهدی زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۳)، اینترنت و حوزه عمومی، فصلنامه «رسانه»، سال ۱۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۵۹، ص ۱۱۱ الی ۱۳۱
- میناوند، محمدقلی (۱۳۸۱) «بررسی قابلیت امکان عملکرد اینترنت به عنوان حوزه عمومی سیاسی» رساله دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
- مونس، حسین (۱۳۷۷) پیدایی مسجد، سید سعید حسینی، نشریه مسجد شماره ۳۷ صفحات ۸۶-۷۰
- مهدوی نژاد، محمد جواد و مشایخی محمد (۱۳۸۹) بایسته‌های طراحی مسجد بر اساس کارکردهای فرهنگی و اجتماعی، آرمانشهر شماره ۵
- نجف زاده، مهدی (۱۳۹۲) از همزمانی ظهور حوزه عمومی در ایران و غرب تا موانع اجتماعی و سیاسی گسترش آن در ایران؛ مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱
- نوذری، حسینعلی، (۱۳۸۱)، بازخوانی هابرماس، نشر چشمه
- همیلتون ملکم (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی دین، محسن ثلاثی (مترجم) تهران: نشر ثالث
- هالوب، رابرت (۱۳۷۵) یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی، مجادلات فلسفی هابرماس، با پویری‌ها و دیگران، مترجم حسین بشیریه، نشر نی
- یزداخواستی بهجت و همکاران (۱۳۹۲) حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی؛ مطالعات فرهنگ و ارتباطات؛ بهار؛ دوره ۱۴ شماره ۲۱

Najafi, S. & Nyblom, M. (2006), Iranian Youth and the Internet: six voices on internet use beyond the public and private spheres, Master's Thesis in Stockholm School of Economics, Retrieved From: www.arc.hhs.se.

